

طرح افزایش درک مطلب کودکان دبستانی

با هدف توسعه سواد خواندن

پایه:

نام و نام خانوادگی:

پیدپای ریاضیات

در کلاس درس



"دوره اول"

(میتر اثار اللهی)



باغ سحرآمیز

در روزگاران قدیم باغ زیبایی بود که درختان سیبی از طلا داشت ولی مردم روستا هیچ وقت از تعداد صحیح درخت های این باغ اطلاع نداشتند.

افسانه باغ این بود که هر وقت فرزندی در روستا کار نیکی برای پدر و مادرش انجام می داد یک درخت سیب طلایی به باغ اضافه می شد و هر زمان که پدر و مادری از فرزندشان ناراحت می شدند یکی از درختان باغ کم می شد.

هر روز روی هر درخت ۵ سیب طلایی می رسید که در پایان روز از درخت می افتاد و اگر تا فردای آن روز بین مردم پخش نمی شد از بین می رفت.

برای همین مردم روستا به فکر افتادند تا باغبان در ستکاری را برای رسیدگی به باغ به کار گیرند که تعداد درختان هر روز را مشخص کند.

روز اول باغبان به همه مردم تعداد درختان باغ را ۶ عدد اعلام کرد ولی از فردای آن روز گفت: من هر روز سیب ها را به روستا می آورم و بین شما مردم تقسیم می کنم، چون تعداد درختان روزانه تغییر می کند خودتان از روی تعداد سیب ها تعداد درختان را به دست بیاورید. روز دوم باغبان ۴۰ سیب طلا به روستا آورد و بین مردم پخش کرد. مردم روستا هم متوجه تعداد درختان شدند. بعد از آن روز مردم روستا از اینکه دیگر سیبهایشان از بین نمی رفت و با کمک باغبان می توانستند هر روز سیب های طلایی باغ شان را داشته باشند خوشحال بودند.



فرزند با هوشم، متن داستان را با دقت بخوان و به سوالات جواب بده.

۱- روز اول باغبان چند سیب طلایی داد؟

۲- روز دوم باغ چند درخت داشت؟

۳- پدر و مادرها روز اول بیشتر از فرزندانشان راضی بودند یا روز دوم؟

۴- یک آیه قرآن یا حدیث یا جمله بزرگان در مورد نیکی به پدر و مادر بنویسید.

"معاونت آموزشی"